

## آدم از دیدگاه قرآن و عهدین

محمد صدقی

عضو علمی دانشگاه علامه طباطبائی

### چکیده:

دیدگاه عهدین و قرآن در آفرینش آدم و حوا علی رغم داشتن اشتراکات، دارای اختلافات اساسی است به گفته عهدین آدم از خاک و شبیه خدا خلق شد و از ارواح الهی که از قبل خلق شده و در عالم خاصی قرار داشتند، در وی دمیده شد. حوا از استخوان دندۀ آدم و به تبع وی و برای رفع نیازش خلق شد گویا اگر آدم تنها نبود حوا خلق نمی‌شد! وی عامل گمراهی آدم است زیرا در فریب دادن آدم، مار را یاری کرده است. از دید عهدین آدم گرامی داشته شده است ولی این از تکریم قرآن فاصله زیاد دارد؛ تکریم عهدین از نوع حیوانی است، انسان عهدین موجود شرور و ظالم است و بدین جهت خدا از خلق انسان پشیمان شده و زمین را مورد لعن قرار می‌دهد و تصمیم بر نابودی همه موجودات می‌گیرد. در داستان آفرینش آدم بر توحید خدا خدشه وارد شده و خدای معرفی شده انسان‌وار، محدود، زودرنج، بخیل، دروغگو، انتقام‌گیر و دارای فرزند است. قرآن انسان را آیینۀ تمام نمای حق دانسته، انسان قرآن از دو ساحت جسمانی و غیر جسمانی است که بُعد غیر جسمانی وی اصیل است. انسان قرآن کانون آیات الهی است و دارای امتیازات اختیاری بسیاری از جمله ظرفیت فوق‌العاده علمی است که موجب برتری وی از تمام موجودات حتی فرشته‌ها شده است و شایسته خلافت و امانت‌دار الهی گشته و به فرشته‌ها مسجود و معلم قرار داده شده است.

**کلید واژه:** آدم، حوا، درخت ممنوعه، خلقت آدم، گناه اصلی.

### پیش در آمد

آفرینش آدم و چگونگی آن از دیرباز مورد توجه بشر بوده و دیدگاه‌های مختلفی در این مورد بیان شده است. ادیان سه گانه بزرگ یهود و مسیحیت و اسلام با الهام از آثار موجود آسمانی خود گرچه دیدگاه‌های همسان بسیاری دارند، ولی تفاوت‌های اساسی وجود دارد که نگرش پیروانشان را نسبت به آدم و جهان و خالق آن دو در حدی تحت تاثیر قرار می‌دهد که اعتقادات پیروان ادیان در مسائل اساسی جهان‌بینی، بسیار متفاوت شده و گاهی در جهت خلاف همدیگر قرار می‌گیرند و با تکفیر و قتل یکدیگر امید تقرب به خدا را می‌جویند.

این مقاله آدم(ع) را از دیدگاه اسلام و عهدین مورد بررسی قرار داده و با مقایسه و نقد و بررسی دیدگاهها ضمن آشنا ساختن خواننده با نظریه مناسب، زمینه تعدیل دیدگاههای پیروان ادیان آسمانی را فراهم سازد. از این رو موضوع مقاله دارای اهمیت ویژه می‌باشد و ضرورت بررسی آن بسیار روشن است.

از نظر تاریخی این موضوع سابقه طولانی دارد و کتب عهد عتیق و جدید و قرآن کریم در موارد متعدد آن را مورد توجه قرار داده‌اند، با توجه به ماهیت موضوع روش نویسنده در تهیه مقاله کتابخانه‌ای می‌باشد.

### آدم در عهد عتیق

آدم و آفرینش وی در عهد عتیق به دو بیان مطرح شده است یکبار در باب اول سفر پیدایش و بار دیگر با شیوه خاصی در بابهای دوم تا پنجم آن. تحقیقات نشان می‌دهد که ریشه آن دو بیان، دو روایت مختلف بوده است که نویسندگان تورات به تبع آن روایتهای این مسئله را به دو صورت بیان کرده‌اند.<sup>۱</sup>

کتاب مقدس بعد از بیان خلقت موجودات دیگر درباره آفرینش آدم چنین گوید:

«و خدا گفت آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند حکومت نماید پس خدا آدم را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید ایشان را نر و ماده آفرید و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید و بر ماهیان و دریا و پرندگان آسمان و همه حیوانات که بر زمین می‌خزند حکومت کنید و خدا گفت همانا همه علفهای تخم داری که بر روی تمام زمین است و همه درختهایی که در آنها میوه درخت تخم داری است به شما دادم تا برای شما خوراک باشد.<sup>۲</sup>

## نقد

در متن فوق دو نکته لازم به ذکر است:

۱- خدا آدم را به صورت خود آفرید! از آنجا که عبارت (آدم را به صورت خود آفرید!) تصور همانندی آدم با خدا را القاء می‌کند؛ نویسندگان کتاب مقدس در تفسیر مناسب این جمله به تکاپو افتاده‌اند.

در تلمود جهت پیشگیری از تصور فوق الذکر آمده است که این عبارت بدان معناست که انسان از عزت و عظمت الهی برخوردار است و قابلیت وصول به این نشان و مقام! را دارد.<sup>۳</sup> جیمزهاکس به استناد جملاتی که ذیل ارقام ۲۵ تا ۲۲ در باب ۴ رساله پولس به افسیان آمده گوید منظور از شباهت انسان به خدا شباهت از حیث عدالت، تقدس و قدوسیت است.<sup>۴</sup> موسی بن میمون که مضمین کتاب را تاویل و تفسیر تمثیلی می‌کند گوید: آفریده شدن آدم به صورت خدا اشاره به کمال عقلانی اوست نه همانندی جسمانی وی با خدا.<sup>۵</sup> نویسنده کتاب دانه المعارف الکتبیه نیز گوید:

(و هناک آراء کثیره لتفسیر عبارة «على صورة الله» و لکن اکثرها قبولاً هو ان الانسان خلق کائناً روحياً مستقلاً له امکائیة الشکره مع خالقه التي نجد الاشارة اليها في سفر التكوين ۸/۳ یعنی انسان موجود زنده مستقل خلق شده است که توانایی شرکت با خالق خود را دارد همانطور که در سفر پیدایش در شماره ۸ باب ۳ به این مطلب اشاره شده است.

## نقد

درست است که انسان موجودی با امکانات فوق العاده است و نسبت به مخلوقات دیگر امتیازهای زیادی دارد و لکن تفسیر فوق نمی‌تواند مورد قبول باشد زیرا:

۱- اگر منظور از اینکه (انسان دارای امکاناتی است که می‌تواند با خالق خود شریک بشود) یعنی انسان مستقلاً می‌تواند کارهای خدایی انجام بدهد این شرک است و اگر منظور این است که انسان به عنوان یک مخلوق و در تحت اراده الهی این امکانات را دارد لازمه این گفته شباهت انسان با خدا نخواهد بود. پس این تفسیر قابل قبول نمی‌باشد.

۲- علاوه بر این، تفسیر فوق با جملاتی در کتاب اشعیا و اسموئیل ۲ تناقض دارد:

الف - اسموئیل ۲ باب هفتم شماره ۲۲:

داود(ع) در دعای خود گوید: ای یهوه خدا، تو بزرگ هستی زیرا چنانچه به گوشهای خود شنیده‌ایم مثل تو کسی نیست و غیر از تو خدایی نیست.

ب - در کتاب اشعیا باب ۴۶ شماره ۱۰ آمده است...

... زیرا من قادر مطلق هستم و دیگری نیست خدا هستم و نظیر من نیست.

نویسنده مقاله: بدیهی است عبارات فوق با صراحت تمام می‌رسانند که برای خدا

شبیهِ وجود ندارد و او موجودی است که مثل و مانندی بر او نمی‌باشد. بنابراین اولاً شبیه بودن انسان به خدا تفسیر درست ندارد و ثانیاً با عبارات دیگر تورات تناقض دارد. با توجه به این مسائل شگفت‌انگیز است که: از دید علماء یهود اینکه انسان شبیه خدا آفریده شده است اساس تعلیمات داد درباره وجود انسانی است و از این لحاظ انسان بر همه مخلوقات جهان فضیلت دارد و این نشان می‌دهد که عالی‌ترین نقطه در کار آفرینش است.<sup>۷</sup> نقد: برتری انسان بر موجودات دیگر مورد تردید نیست ولیکن مطلب گفته شده در بالا مبتنی بر اصلی (انسان شبیه خدا آفریده شده است) است که معنای درست ندارد.

### آفرینش آدم از خاک

در تورات گوید: «خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد»<sup>۸</sup> در مورد تعبیر فوق تلمود تعلیم می‌دهد که ارواح از زمانهای بسیار قدیم در آسمان وجود داشته‌اند. «در آسمان هفتم که عراوت نام دارد ارواح و روانهایی که بعداً به دنیا خواهند آمد، ماوی دارند» در توضیح آن گفته شده است که: مقصود از آن ارواحی است که بعداً به موقع خود وارد بدن انسانها خواهند شد.<sup>۹</sup> شاید بتوان گفت از اینجاست که علماء یهود جان انسان را آسمانی و جسم وی را زمینی می‌دانند و اگر فردی رضای پدر آسمانی را بدست آورد آسمانی می‌شود و الا همانند موجودات عالم پایین، خواهد بود.<sup>۱۰</sup> در کتاب اسرار خنوخ آمده است که اجزاء وجود آدم از هفت جوهر آفریده شده است، گوشت آدم از خاک است، خون وی از قطره‌های شبنم و چشمهایش از خورشید و استخوانش از سنگ و رگها و موهایش از گیاهان و اندیشه‌اش از ابرها و از سرعت سیر فرشتگان و روح وی از روح خدا و از باد است!<sup>۱۱</sup>

### حواء

حواء نام همسر آدم است وی اولین زنی است که خلق شده است و مادر تمام انسانهاست. خداوند حوا را برای آدم خلق کرد تا آدم تنها نباشد و از تورات چنین بر می‌آید که گویا در طرح اولیه آفرینش عالم، خلقت حوا پیش‌بینی نشده بوده است و بعد از خلق آدم معلوم می‌شود که تنها بودن آدم خوب نیست لذا تصمیم به آفرینش حوا گرفته می‌شود! «پس خداوند خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت... و خداوند خدا گفت خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش معاونی موافق وی بسازیم... بعد از نام‌گذاری

حیوانات... لکن برای آدم معاونی موافق وی یافت نشد و خداوند خدا خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده‌های وی را گرفت و گوشت درجایش پر کرد و خداوند خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بنا کرد و وی را بنزد آدم آورد...»<sup>۱۲</sup>

### چند نکته در عبارتهای فوق

الف - کلمه خوب و بد از مفاهیم ارزشی هستند و از مسائل اخلاقی، حال سؤال این است که کلمه خوب در متن فوق چه معنا دارد؟!

ب - بنابر متن فوق آفرینش آدم اصل است و لکن تنها بودن وی خوب نبود تلاش شد از حیوانات معاونی برای وی پیدا شود ممکن نشد به ناچار از استخوان دنده آدم حوا آفریده شد! گویا اگر تنها بودن آدم بد نبود و یا اگر از حیوانات معاونی برای وی پیدا می‌شد هرگز به آفرینش حوا نیازی وجود نداشت و لذا حوا برای آدم خلق می‌شود نه آدم برای حوا!!

ج - حوا معاون ما!

کتاب مقدس حوا را عامل نافرمانی آدم معرفی می‌کند والا آدم فریب مار را نمی‌خورد چنانچه برداشت عمومی دانشمندان یهود و مسیح نیز چنین است که حوا بعد از نافرمانی خودش همسرش را به نافرمانی سوق داده:

«... آدم گفت این زنیکه قرین من ساختی وی از میوه درخت به من داد که خوردم ... پس خداوند خدا به زن گفت این چه کار است که کردی؟ زن گفت مار مرا اغوا نمود که خوردم ... خداوند خدا به زن گفت آلم و حمل ترا بسیار افزون گردانم با آلم فرزندان خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود او بر تو حکمرانی خواهد کرد... و به آدم گفت چونکه سخن زوجهات را شنیدی ....»<sup>۱۳</sup>

کتاب حکمت بن سیراخ گناه آدم و گرفتار مرگ شدن وی را از گناه حوا دانسته است.<sup>۱۴</sup>

که برخی از مفسران کتاب مقدس با قبول مطلب، در مقام دفاع از حوا گفته‌اند فریب خوردن حوا و فریب نخوردن آدم به طبیعت آنان برگشت می‌کند:

«چون طبیعت حوا او را متأثر قرار داده و مؤثر نمی‌باشد لذا زودتر از مرد خواسته مار را اجابت کرد و فریب وی نسبت به حوا مؤثر شد ولی بر آدم اثر نکرد و این هر دو برگشت به طبیعت آنان می‌کند و عقاب آنان نیز چنین است و بدین جهت عقاب حوا خضوع بر آدم و اشتیاق به مرد و مرد بر وی حاکم قرار داده شد.»<sup>۱۵</sup>

علاوه بر اینکه تورات آفرینش حوا را تبعی دانسته و وی را عامل گناه آدم معرفی کرده است، در سفر جامعه نیز، زن را تلختر از مرگ معرفی کرده است و در تعبیر دیگر

گوید مرد صالح و شایسته در پیشگاه خدا آن است که زن نداشته باشد...<sup>۱۶</sup>  
 شایان ذکر است که شاید دیدگاه تحقیرآمیز جوامع غرب نسبت به جنس زن از چنین  
 تعبیر تاثیر پذیرفته است که به گمان زیاد نویسنده‌های تورات نیز از فرهنگ یونان و روم  
 قدیم متأثر بوده‌اند چون در فرهنگ آنان زن جز وسیله زاد و ولد و خوشی مرد بودن،  
 جایگاه دیگر نداشته است. حتی در آن فرهنگ از جنس انسان بودن زن مورد شبهه قرار  
 می‌گیرد و در حشر زن در معاد، نقض و ابرام زیاد واقع می‌شود!  
 در کتاب اسلام و عقاید و آراء بشری گوید:

«زنان از نظر رومیان به علت فاقد بودن روح انسانی قابل حشر در معاد نبودند و مجامع  
 علمی (ماکون) نیز پس از بحثها آن را تایید کرد!

و در نظر رومیان زن مظهر تامّ شیطان و انواع ارواح موذی بوده است بدین جهت آزار  
 دادن زنان را تسلط بر ارواح موذی می‌دانستند. زنان رومی در شمار اشخاص نبودند و  
 همواره در ردیف کالا و اشیاء قرار داشتند و پس از مرگ سرپرست خانواده، زنان به وارث  
 منتقل می‌شدند و بدین ترتیب همیشه ارث بودند نه وارث!<sup>۱۷</sup>  
 آگوستین اسقف مسیحی وی در ردّ چنین تفکرات گوید:

«برخی از افراد از سخنان پولس رسول چنین برداشت می‌کنند که زنان در رستاخیز  
 نهایی زن بر نخواهند خاست بلکه همه مرد خواهند شد زیرا خدا فقط مرد را از خاک  
 آفرید و زن را از مرد، من معتقدم کسانی داناترند که بی‌تردید می‌گویند هر دو جنس در  
 رستاخیز وجود خواهند داشت»<sup>۱۸</sup>

دکتر گوستاولوبون گوید: «یونانیان عموماً زن را موجود پستی می‌دانستند که تنها برای  
 ادامه نسل و کارهای خانه بدرد می‌خورد و اگر زنی بچه ناقص و بی‌قواره می‌زاید آن زن  
 را می‌کشتند مسیوترویلنگ می‌نویسد:

زن بی‌چاره که در اسپارت فرزند نیرومند و شایسته برای جگک نمی‌زاید آن زن را  
 می‌کشتند، مثل ایتالیائی گوید: برای اسب رام و سرکش مهمیز لازم است و برای زن خوب  
 و بد هم چوب!...»<sup>۱۹</sup>

### حوا در عهد جدید

تمام مطالب فوق عقیده مسیحیان نیز می‌باشد علاوه بر آن از پولس رسول در عهد  
 جدید در مورد زن مطالبی آمده است که به دو مورد آن اشاره می‌شود:

الف - پولس به زن توصیه می‌کند که با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد و هرگز  
 تعلیم ندهد و بر مرد مسلط نشود:

«... زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا

بر شوهر مسلط شود بلکه در سکوت بماند زیرا که آدم اوّل ساخته شد و بعد حوا و آدم فریب نخورد بلکه زن فریب خورده در تقصیر گرفتار شد...»<sup>۲۰</sup>

ب - در قسمت دیگر پولس از باب غیرت، خانمها را به باکره ماندن توصیه کرده است!  
 «... زیرا که من بر شما غیور هستم به غیرت الهی زیرا که شما را به یک شوهر نامزد ساختم تا باکره عقیقه به مسیح سپارم لیکن می ترسم که چنانکه مار به مکر خود حوا را فریفت همچنین خاطر شما هم از سادگی که در مسیح است فاسد گردد...»<sup>۲۱</sup>

### تکریم آدم

آدم در کتاب مقدس مورد تکریم خدا قرار گرفته است.  
 «... و خداوند خدا باغی در عدن به طرف مشرق غرس نمود و آدم را که بسرشته بود در آنجا گذاشت ... پس خداوند خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید و خداوند خدا آدم را امر فرموده گفت از همه درختان باغ بی ممانعت بخور اما از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری زیرا روزی که از آن خوردی هر آینه خواهی مرد!»<sup>۲۲</sup>

« پس انسان چیست که او را بیاد آوری و... او را از فرشتگان اندکی کمتر ساختی و تاج جلال و اکرام بر سر او گذاردی او را بر کارهای دست خودت مسلط نمودی و همه چیز را زیر پای وی نهادی...»<sup>۲۳</sup>

### نقد نکاتی از متن فوق

#### الف - درخت ممنوعه درخت معرفت نیک و بد!

تکریم آدم این بود که خدا همه گونه نعمت را در اختیار آدم قرار داد وی و همسرش را از نزدیک شدن به یک درخت، درخت معرفت نیک و بد بازداشت و ظاهراً این ممنوعیت از باب خیرخواهی بر آنان بوده است که مبدا بمیرند! یعنی نگرانی خدا از این بوده است که آنان با معرفت یافتن به نیک و بد خواهند مُرد!

#### ب - خدای دروغگو و مار راستگو!

بنابر متن فوق خدا از مرگ آدم و حوا نگران بوده و آنان را از آن درخت منع نمود ولیکن از تعابیر دیگر کتاب مقدس به وضوح پیداست که خدا از معرفت یافتن آنان به نیک و بد نگران بوده است در حدی که نگرانی خود را در لفافه دروغ مخفی می کند و آنان را به دروغ از مرگ می ترساند و گوید اگر از این درخت بخورید می میرید! و ممنوعیت در واقع به این انگیزه بوده است که مبدا آنان با آگاهی یافتن از نیک و بد و باز شدن چشمانشان مانند خدا شوند! بنابراین برای جلوگیری از به وجود آمدن رقیب! آنان از

درخت معرفت ممنوع می‌شوند!

در حالی که مار راستگو معرفی شده است زیرا وی در معرفت یافتن بشر تلاش کرده است و به همسر آدم اطمینان داد که در صورت خوردن از آن درخته هرگز نخواهید مرد! بلکه چشمان شما باز شده و مثل خدا آگاهی پیدا می‌کنید جالب اینکه به گفته تورات هنگامی که آنان از آن درخت تناول کردند نه تنها نمردند بلکه چشمانشان باز شد و به نیک و بد معرفت پیدا کردند یعنی مار راست گفته و خدا...؟!<sup>۲۴</sup>

### ج - تکریم آدم مورد تردید است:

برخی از گفته‌های تورات، تکریم آدم را درهاله‌ای از شک و تردید قرار می‌دهد به گفته کتاب مقدس خدا آدم و حوا را عریان قرار داده بود و مدت زیادی با این وضع بودند بدیهی است که این وضع خوب نبوده است زیرا نه تنها به این دلیل که آدم و حوا بعد از باز شدن چشمانشان زشتی این حالت را فهمیده و به دنبال پوشش رفتند بلکه کتاب مقدس نیز در داستان حضرت نوح به زشتی کشف عورت تصریح دارد.<sup>۲۵</sup> به عبارت دیگر خدا با عریان قرار دادن آنان کرامت و عزت را از آنان دریغ داشته بود و هم‌ردیف بهایم شده بودند! و این تکریم آنان نیست بلی این مار بوده است که با تلاش خود آنان را از این وضع حیوانی نجات بخشید!

نکته شایان ذکر اینکه قرار دادن همه گونه نعمت در اختیار آدم و باز داشتن وی از درخت معرفت آنهم در حال عریانی از نوع تکریم حیوانی است یعنی در خوردن و لذت مادی بردن کم و کاستی نداشته‌اند ولیکن در بعد انسانی عریان قرار دادن مسلماً تحقیر است و تکریمی نبوده است و ابتدایی‌ترین حق انسانی که حفظ آبرو است در مورد آنان انجام نگرفته بود و همانند بهایم عریان بودند. همانطور که کتاب مقدس به عدم برتری انسان بر بهایم تصریح کرده است.<sup>۲۶</sup>

### د - مار یا شیطان:

کتاب مقدس فریب آدم و حوا را به مار نسبت داده است و به گفته علی قلی جدید الاسلام<sup>۲۷</sup> تورات در هیچ جای داستان آدم، از شیطان نام نبرده است انگار در نافرمانی آدم و حوا وی هیچ نقشی نداشته است و مار آنان را فریفته است.<sup>۲۸</sup> لکن معروف این است که شیطان آدم و حوا را فریفت، در حکمت سلیمان آمده است که:

«خداوند انسان را برای بی‌مرگی آفرید و او را به صورت جاودانگی خود خلق کرد اما ابلیس بر آدم حسد برد و او را به نافرمانی و گناه کشید و از این روی مرگ به جهان راه یافت».<sup>۲۹</sup>

نزد مسیحیان نیز چنین معروف است که آدم و اولادش حتی انبیاء و اوصیاء به جهت نافرمانی آدم، به غلامی شیطان گرفتار گردیدند و هر که از اولاد ایشان که به دنیا آمده



می‌مردند، به دوزخ می‌رفتند و در آنجا در حبس شیطان بودند تا اینکه عیسی آزاد کرد!<sup>۳۰</sup>

#### نقد

معروف بودن ابلیس به جای مار در نزد علماء یهود و مسیح نشان می‌دهد که در اصل ابلیس بوده است بعداً به دلایلی از قبیل: از بین رفتن نسخه اصلی تورات، دقیق نبودن شکل خط، سهل‌انگاری مترجمان و امثال اینها کلمه ابلیس تغییر یافته است همانطور که علی قلی جدید الاسلام این مسئله را یکی از دلایل تحریف و دستکاری در کتاب مقدس دانسته است!<sup>۳۱</sup>

احتمال تحریف را این نکته تقویت می‌کند که در تورات فعلی دارد که به مار گفته شد تو باید خاک بخوری!<sup>۳۲</sup> و چنین غلط واضح از کتاب مقدس قابل قبول نیست.

#### ویژگیهای انسان از نگاه کتاب مقدس

الف - انسان موجود مختار و آزاد در عمل است.

آنچه از تورات و نوشته‌های دانشمندان یهود و مسیح بدست می‌آید این است که انسان موجود آزاد و مختار است و آزادی تام در عمل دارد در سفر پیدایش در داستان قاین خطاب به وی آمده است:

«اشتیاق او (گناه) به تو است اما تو بر وی مسلط شو» یعنی تو آزادی داری.<sup>۳۳</sup>

در سفر تثبیه آمده است: «من امروز برکت و لعنت را پیش شما می‌گذارم...» یعنی انتخاب با شما است.<sup>۳۴</sup>

ب - انسان موجود شرور و ظالم:

تورات انسان را موجود شرور می‌داند و همواره عمل وی شرارت در روی زمین است و تمام تصورات و خیال وی نیز شرارت است چه از جهت عمل و چه از ناحیه فکر همواره در حال شرارت است.

در سفر پیدایش آمده است که: «خداوند دید که شرارت انسان در روی زمین بسیار است و هر تصور از خیالهای دل وی دائماً محض شرارت است».<sup>۳۵</sup>

از این دیدگاه شرارت انسان بی حد و حساب است که نتایج خطرناکی را به دنبال دارد:

۱- خدا از خلق وی پشیمان شده است و موجب حزن و تاسف خدا گشته است!

۲- خدا تصمیم می‌گیرد نه تنها انسان را از روی زمین محو سازد حتی چهارپایان و حشرات و پرندگان هوا را نیز از بین ببرد.

۳- انسان با شرارت خود، زمین را پر از ظلم کرده و همه زمین فاسد شده است.

۴- از این رو، خدا زمین را لعن کرده و انسان و زمین را هلاک خواهد ساخت. در سفر پیدایش گوید: «و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود و در دل خود محزون گشت و خداوند گفت انسان را هلاک کرده از روی زمین محو سازم، انسان و بهایم و حشرات و پرندگان هوا را چونکه متأسف شدم از ساختن انسان و خدا زمین را دید که اینک فاسد شده است زیرا که تمامی بشر راه خود را بر زمین فاسد کرده بودند... زیرا که زمین بسبب ایشان پر از ظلم شده است و اینک من ایشان را با زمین هلاک خواهم ساخت... و به آدم گفتم... پس به سبب تو زمین ملعون شد».<sup>۳۶</sup>

### تصویر خدا در داستان آفرینش آدم

#### ۱- خدایان متعدد

داستان آفرینش آدم در تورات یگانگی خدا را زیر سوال برده است و خدایان متعدد را القاء کرده است در تورات گوید:

«خداوند خدا گفت همانا انسان مثل یکی از ما شده است که عارف نیک و بد گردیده است»<sup>۳۷</sup>

بدیهی است که عبارت (مثل یکی از ما شده!) با صراحت تمام به تعدد خدا دلالت دارد و گفتاری با چنین صراحت را نمی‌شود بر خلاف ظاهر حمل کرد. علاوه بر این، کلمه خداوند خدا خود ایهام به تعدد خدا دارد گویا خدایان متعدد وجود دارد که در رأس آنها یکی خداوند خداست و تعبیر با کلمه خداوند در موارد دیگر تائیدی است<sup>۳۸</sup> بر نظریه تعدد زیرا تعدد تعبیر حتماً به اختلاف مفهوم دلالت می‌کند.

#### ۲- خدای انسان‌وار و محدود!

در این داستان خدا همانند انسان برای هواخوری و خوشگذرانی به باغ می‌رود و قدم می‌زند، دارای اعضاء و جوارح بدن است و جسم دارد، محدودیت وجودی و علمی دارد، آگاهی او به اندازه میوه درختی است که آدم از آن خورد و مثل خدا شد! از اطراف خود و از جای اختفای آدم و همسرش اطلاع ندارد. به متن تورات توجه کنیم:

«و آواز خداوند خدا را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم بهاری در باغ می‌خرامید و آدم و زنش خویشان را از حضور خداوند خدا در میان درختان باغ پنهان کردند و خداوند خدا آدم را ندا در داد و گفت کجا هستید...»<sup>۳۹</sup>

#### ۳- خدای دارای فرزند!

از نظر تورات خدا دارای فرزندان است که با دختران انسان ازدواج می‌کنند و به این وصلت مبارک! از آن جهت اقدام می‌کنند که می‌بینند دختران انسان بسیار زیباوند به عبارت دیگر شهوت جنسی و هوای نفسانی فرزندان خدا را به این عمل وامی‌دارد!

«پسران خدا دختران آدمیان را دیدند که نیکو منظرند و ازهر کدام که خواستند زنان برای خویشتن می گرفتند... و بعد از هنگامی که پسران خدا به دختران آدمیان در آمدند و آنها برای ایشان اولاد زاییدند...»<sup>۴۰</sup>

#### ۴- خدای زود رنج، انتقام گیر و مردد در تصمیم گیری

در این داستان خدا از شرارت انسان به ستوه آمده و تصمیم می گیرد وی را و همه حیوانات روی زمین را محو سازد. زیرا از آفرینش انسان پشیمان شده است:

«خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است و هر تصور از خیالهای دل وی دایماً محض شرارت است و خداوند پشیمان شد که انسان را بر روی زمین ساخته بود و در دل خود محزون گشت و خداوند گفت انسان را که آفریده ام از روی زمین محو سازم، انسان و بهایم و حشرات و پرندگان هوا را چونکه متاسف شدم از ساختن انسان».<sup>۴۱</sup>

تعجب آور اینکه در مورد دیگر در تورات آمده است که خداوند از این تصمیم خود مجدداً پشیمان شده و دوباره تصمیم می گیرد که محو نسازد گویا از نتیجه تصمیم اولی متأثر شده و تخریبهایی که به وجود آمد در او اثر گذاشت و ایشان تصمیم دوم را گرفتند! «خداوند در دل خود گفت بعد از این دیگر زمین را به سبب انسان لعنت نکنم زیرا که خیال دل انسان از طفولیت بد است و بار دیگر همه حیوانات راهلاک نکنم چنانکه کردم...»<sup>۴۲</sup>

#### ۵- خدای ترسو، بخیل و دروغگو!

بر اساس بیان تورات در داستان آدم، خدا از اینکه انسان مثل یکی از خدایان بشود به شدت نگران شده است و علت باز داشتن آدم از درخت معرفت نیز همین بوده است یعنی مبادا چشمان آدم باز شود و به نیک و بد معرفت پیدا کرده مثل خدا بشود! پس خدا دریغ ورزیده و بخل می کند که انسان آگاهی مذکور را بدست آورد و به حدی پیش می رود که حاضر می شود دروغ بگوید و آدم را به دروغ از مرگ بترساند.<sup>۴۳</sup>

#### آدم در مسیحیت

اصولاً اساس دیدگاه اناجیل و اعتقاد مسیحیان همان است که در عهد عتیق آمده است و ولی جهت برخی نقطه نظرهای مسیحیان، چند نکته را یادآور می شویم:

#### ۱- آدم و عیسی فرزندان خدا!

از دیدگاه اناجیل آدم فرزند خداست و به عنوان (ابن الله) نامیده شده است و در انجیل لوقا آنجا که اجداد حضرت عیسی (ع) را توضیح می دهد به این مسئله تصریح کرده است.<sup>۴۴</sup> از طرف دیگر اناجیل حضرت عیسی (ع) را نیز فرزند خدا خوانده اند و این مسئله نزد مسیحیان به حدی معروف است که نیاز به ارائه مدرک نیست.<sup>۴۵</sup>

نکته قابل توجه اینکه فرزند خدا بودن آدم و عیسی به هر معنا باشد از نوعی مناسبت بین این دو فرزند حکایت می‌کند و لذا دیگر انبیاء فرزند خدا نامیده نشده‌اند. این مناسبت با ملاحظه نامه‌های پولس رسول، تا حدود زیادی روشن می‌شود.

بنا به گفته وی با نافرمانی و گناه یک انسان - آدم - گناه و مرگ به جهان راه یافت و همه گناه کار و مرگ پذیر شدند و با فرمانبراری و بی‌گناهی یک انسان دیگر - حضرت عیسی - و مرگ و رستخیز او همه از گناه پاک شدند و زندگی یافتند چنانکه در آدم همه می‌میرند در مسیح همه زنده خواهند گشت.<sup>۴۶</sup>

مسئله گناه اولیه یعنی نافرمانی آدم(ع) در آغاز خلقت و کيفر دیدن وی و ادامه گناه و کيفر او در نوع بشر که در تورات و نوشته‌های بین‌العهدین مطرح شده است، در نامه‌های پولس رسول با ظهور عیسی(ع) و مصلوب شدن و رستخیز او پیوند می‌یابد. مسیح قربان می‌شود و با خون خود گناه آدم را می‌خرد و ذریت آدم را از گناهی که او مرتکب شده بود پاک می‌سازد گویا مسیح شبانی است که جان خود را فدای گوسفندان خود می‌کند و شاید از اینجا آدم شبیه و نمونه مسیح آینده نامیده شده است.<sup>۴۷</sup>

## ۲- ازلیت مسیح و تقدّم وجودی بر آدم

از دید مسیحیان گرچه وجود ناسوتی مسیح بعد از آدم و از نسل وی است لکن وجود لاهوتی وی به عنوان کلمه و روح الله ازلی است و همه چیز در او، به وسیله او و برای او هستی یافت، او قبل از همه است و همه چیز در او قیام دارد!

«در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود! همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت در او حیات بود و حیات نور انسان بود... او در جهان بود و جهان به واسطه او آفریده شد... و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد پر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم جلالی شایسته پسر یگانه پدر!»<sup>۴۸</sup>

به گفته پولس رسول، آدم شبیه و نمونه مسیح آینده است بدین سان مسیح اصل و آدم شبیه آن اصل است لذا مسیح مقدم بر آدم است گرچه وی از نسل آدم است.

آدم نمودار تمامیت و کمال انسان نیست زیرا تمامیت انسان در جاودانگی و قرب الهی و برابری با فرشتگان است که آدم با گناه خود آن را از دست داد. نمودار تمامیت انسان مسیح است که آنچه را که خداوند در آغاز برای آدم و نوع بشر خواسته بود بدو تحقق بخشید.<sup>۴۹</sup>

## آدم در اسلام

### آفرینش آدم

آدم از دیدگاه قرآن موجودی رازآلود، اسرار آمیز است. ابعاد وجودی او بسیار گسترده‌تر از آن است که دست شناخت بشر بدو برسد. انسان یگانه آفریده‌ای است که

می تواند مظهر و آئینه تمام‌نمای حق باشد از این رو درون آدمی نیز همانند عالم برون مملو از آیات الهی است قرآن کریم می‌فرماید:

«به زودی نشانه‌های خود را در افق‌ها و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است».<sup>۵۰</sup>

بنابراین قرآن کریم انسان را کانون آیات الهی می‌داند و لذا فراموشی و غفلت از خویشتن خویش را ملازم با فراموشی خدا می‌داند:

«خدا را فراموش کردند و او نیز آنان را دچار خود فراموشی کرد».<sup>۵۱</sup>

انسان از این دیدگاه موجود کاملاً مادی نیست بلکه وجود وی از دو ساحت جسمانی و غیر جسمانی سامان می‌یابد. قرآن کریم در آفرینش انسان می‌فرماید:

«پس از تکمیل مراحل جسمانی انسان مرحله نوین آغاز می‌شود...».<sup>۵۲</sup>

مفسران این قسمت از آفرینش آدم را ناظر به آفرینش گوهر غیر جسمانی می‌دانند که در برخی آیات به دمیدن روح تعبیر آورده است.

منشاء و آفرینش آدم از نظر قرآن کریم نیز خاک است. «داستان (آفرینش) عیسی نزد خدا همانند داستان آدم است که او را از خاک خلق کرد».<sup>۵۳</sup>

اگر در موردی به جای تراب تعبیر به طین = گل و یا حماء مسنون = گل سیاه بد بوی عمل آمده یا طین لازب = گل چسبنده و صلصال = گل خشک شده کرده است<sup>۵۴</sup> همه اینها بیان دیگری از خاک است، مراحل مختلف آفرینش از خاک را توضیح می‌دهد و هر یک از این واژه‌ها حالتی از خاک را می‌رساند.

و هم‌طور اگر در موردی فرموده است بشر را از آب = ماء یا آب پست = ماء مهین یا آب جهنده = ماء دافق<sup>۵۵</sup> خلق کردیم به مراحل بعدی و نسل آدم اشاره دارد:

«و بدأ خلق الانسان من طین ثم جعل نسله من سلاله من ماء مهین».<sup>۵۶</sup>

آفرینش آدم را از گل آغاز کرد سپس (تداوم) نسل او را از فشرده آبی پست مقرر فرمود.

آیات مربوط به آفرینش آدم یکی از شگفتیهای قرآن می‌باشد. در این آیات هرگز از علوم رایج زمان خود استفاده‌ای نشده است و درعین حال مطالبی را بیان داشته‌اند که دانشمندان با پیشرفت علوم تجربی در قرون اخیر به برخی از آنها دست یافته‌اند. مورس بوکای که کتاب مقدس یهود و مسیح و اسلام را از جهاتی از جمله آیات مربوط به آفرینش آدم را بررسی کرده است گوید:

«بیانات قرآن در مورد تولید مثل انسان حقایق اساسی را که انسان‌ها قرونی چند برای کشف آنها گذراندند با اصطلاحات ساده اشعار داشته است».<sup>۵۷</sup>

برای نمونه تا پیش از اختراع میکروسکوپ و بررسی چگونگی انعقاد اولیه معتقد بودند

که مرد در انعقاد نطفه نقش اصلی را دارد و رحم زن تنها محل پرورش آن است در حالی که قرآن پیدایش انسان را از هر دو والدین می‌داند.

«از میان صلب پدر و سینه مادر بیرون آمده است».<sup>۵۸</sup>

همینطور در مورد مراحل تکامل آفرینش از نطفه تا زمان تولد و امثال اینها.

### آفرینش مداوم و مستمر و فیض غیر محدود باری تعالی

از نظر قرآن کریم آفرینش عالم و انسانها چنین نیست که یک بار خلق بشود و دیگر ارتباطی بین خالق و مخلوق نباشد بلکه موجودات هر لحظه و به طور مستمر به او نیازمندند و به اصطلاح حکما نیاز معلول به علت هستی بخش خود، هم در لحظه حدوث است و هم در بقاء است به عبارت دیگر رابطه انسان و جهان با خدا رابطه ساختمان و بنا نیست که بعد از ساخته شدن بنا کاری به بنا نداشته باشیم بلکه از نوع نیاز سایه به صاحب سایه می‌باشد.

قرآن کریم: «ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیازی ستوده است».<sup>۵۹</sup>

بنابراین موجودات عالم و انسان فقر ذاتی داشته و هر لحظه یعنی هم در حدوث و هم در بقاء چیزی جز نیاز نیستند.

### قرآن و دو بعدی بودن انسان

از نظر قرآن کریم آفرینش انسان در بعد مادی خلاصه نمی‌شود بلکه انسان موجود دوبعدی می‌باشد، آیاتی که مراحل آفرینش انسان را بیان می‌دارند در پایان مراحل آفرینش جسمانی انسان مرحله‌ای جدیدی را معرفی می‌کنند که با مراحل پیشین متفاوت است و این مرحله جدید همان دمیدن روح در کالبد انسان است مثلاً در آیه‌ای پس از اشاره به مراحل خلقت طبیعی انسان از گِل، نطفه، علقه و بعد از تکمیل مراحل جسمانی می‌فرماید:

«... ثم انشأناه خلقاً آخر: سپس (با دمیدن روح) خلقتی دیگر انشاء کردیم...»<sup>۶۰</sup>

آشکار است که آفرینش دیگر چیزی غیر از آفرینش قبلی و جسمانی می‌باشد بخصوص که مراحل جسمانی را با واژه خلق و جعل بیان کرده (یعنی آفرینش مرحله به مرحله) ولی آفرینش دوم را با واژه انشاء = ایجاد فوری، و این حاکی از متفاوت بودن دو خلق می‌باشد.

این مطلب در آیاتی چنین بیان شد است: پس از خلقت بعد جسمانی و تسویه آن روح الهی در آن جسم بی‌جان دمیده شد.

بنابراین انسان از نظر قرآن موجود دو بعدی است و حقیقت انسانی همان بعد روحانی است و جسم تنها ابزاری برای تکامل روح بشمار می‌رود. و لذا در آیات مربوط به مرگ صحبت از ستاندن جان شده است و از ستاندن روح شما یا نفس شما حرفی نزده است بلکه

گوید شما را باز می‌ستانیم بنابراین، این آیات حقیقت انسان را همان روح و نفس می‌دانند و شاید از این جهت است که سجده ملائک بعد از دمیده شده روح انجام گرفت.<sup>۶۱</sup> یادآوری می‌شود که تورات نیز انسان را موجود دوبعدی می‌داند ولیکن ظاهراً حقیقت انسان را همان جسم دانسته است نه روح زیرا در مورد هبوط آدم به سوی زمین چنین گفته است که:

«به عرق پیشانی‌ت نان خواهی خورد تا زمانی‌که به خاک راجع گردی که از آن گرفته شدی زیرا تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت».<sup>۶۲</sup> ظاهراً آدم همان خاک و جسم است نه روح.

### امتیازات انسان

از دیدگاه اسلام انسان دارای امتیازات زیادی است و در جوهر ذات خویش از تمام مخلوقات برتر است آدمی در بعد جسمانی شباهت‌های فراوانی با حیوانات دارد اما در قسمت روحانی تفاوتها بقدری گسترده است که هرگز قابل مقایسه با حیوان نیست. انسان هم از نظر گستره شناخت و هم از حیث ابزار و منابع شناخت در مرحله بسیار بالاتر از حیوان قرار دارد. شناخت حیوان در مجموعه‌ای از ادراک حسی محدود است ولی انسان افزون بر حس دارای ابزار عقل است که هیچ حیوان چنین ابزار ندارد. انسان در گرایشها هم بسیار بالاتر از حیوان است و دارای طیفی از گرایشهای عالی (فطریات) است که از غریزه حیوانی بسیار بالاتر است. علاوه بر اینها آدمی به جهت داشتن امتیازات و استعدادهای زیاد، مرتبه‌ای از هستی را بدست آورده است که نسبت به تمام موجودات حتی فرشته‌ها برتری دارد.

### برخی از امتیازات انسان

۱- آدمی خلیفه خدا در روی زمین:<sup>۶۳</sup> انسان در اثر ظرفیت بسیار بالا و اعجاب‌انگیز وجودی خود به مقام خلافت الهی نائل شده است همانطور که از آیه مبارکه پیداست این مقام حاکی از آن است که وی یگانه موجودی است که می‌تواند نمایانگر صفات عالی و کمالی خداوند متعال در جهان هستی باشد و چنین شایستگی را فرشته‌ها نیز ندارند.<sup>۶۴</sup>

۲- انسان دارای بالاترین ظرفیت علمی است:

قرآن کریم آورده است که خداوند متعال دانش خاص (علم اسماء) را بر آدم آموخت در حالی که فرشتگان توانایی بر آن نداشته‌اند خداوند بر آدم دستور داد که از آن دانش به فرشته‌ها یاد بدهد.<sup>۶۵</sup>

آیه بالا حاکی از ظرفیت علمی اعجاب آور انسان است ظرفیتی که وی را به مقام خلافت الهی رساند و بر فرشته‌ها معلم کرد.

### ۳- انسان تنها امانت‌دار الهی:

قرآن می‌فرماید: «ما آن امانت را بر همه موجودات، آسمان و زمین، کوهها - در واقع بر همه چیز - عرضه داشتیم، آنها از پذیرش آن امانت، سرباز زدند تنها یک موجود آن را تحمل کرد و آن انسان بود...»<sup>۶۶</sup>

بسیاری از مفسران امانت را اختیار یا تکلیف یا کمالی دانسته‌اند که آدمی در سایه‌گزینش اختیاری خویش بدان دست می‌یابد. سایر موجودات کمال خویش و بار مسئولیت انتخاب خویش را خود بر دوش نمی‌کشند اما این آدمی است که از آزادانه و با اختیار خود نیک و بد را گزینش می‌کند و مسئول کارهای خویش است. بهرحال آدمی با اختیار و انتخاب می‌تواند به کمالاتی دست یابد که حتی فرشته‌ها هم از آن محروم‌اند و این شکل دیگری از برتری انسان است.

### ۴- جهان کارگزار انسان:

قرآن می‌فرماید:

«آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را در آسمان‌ها و در زمین است مسخر شما ساخته و نعمتهای ظاهر و باطنی خود را بر شما تمام کرده است.»<sup>۶۷</sup>

خداوند متعال تمام عالم هستی را برای نیل انسان به کمالات عالی وسیله و زمینه قرار داده است، آری همه عالم برای آدمی است تا او برای خدا باشد.

### ۵- سجده بر آدم:

سجده فرشته‌ها بر آدم به امر پروردگار عالم در واقع مظهري از برتری انسان بر همه موجودات است و انسان به جهت استعدادهای فراوانش شایستگی مسجود بودن بر فرشته‌ها را دارد لذا خداوند متعال بر فرشته‌ها فرمان داد که بعد از دمیدن روح خود بر آدم بر وی سجده کنند و آنها سجده کردند. «چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید به سجده در افتادند.»<sup>۶۸</sup>

### ۶- انسان دارای فطرت الهی است:

از نظر تعالیم اسلام، شرایع دینی عرضه شده بر انسان، در خود انسان ریشه دارند یعنی اینطور نیست که بشر قبل از عرضه شدن دین یک حالت بی‌تفاوتی نسبت به این تعالیم داشته باشد. و مانند یک کاغذ سفید نسبت به هر نقشی که در آن کشیده شود، بی تفاوت باشد بلکه انسان از نظر قرآن در ذات خود تمام دستورات و تعالیم دینی را خواهان است و حالت پیامبران نسبت به انسان حالت کشاورز نسبت به گیاه می‌باشد که کار کشاورز فقط تربیت است یعنی هر گیاهی یک استعداد و خواستی، برای یک حالت خاص دارد و



کشاورز نمی‌تواند این خواست را عوض کند بلی فقط می‌تواند پرورش دهد تا در مسیری که آن گیاه می‌خواهد تربیت یابد. در سرشت انسان نیز تقاضایی وجود دارد که تعالیم انبیاء و احکام دین در واقع پاسخگویی به آن تقاضاست و انبیاء نقشی جز پرورش آن خواستِ درون انسان، ندارند که این خواست در زبان دین فطرت نامیده شده است.

علی‌رغم اختلاف نظر علماء در تعبیر از فطرت، در اصل این مسئله که چیزی بنام فطرت دین، فطرت اسلامیت در سرشت انسان هست. همه علماء اسلام متفق القول می‌باشند. قرآن می‌فرماید:

«چهره خودت را به سوی دین کن به شکل پایدار، - یعنی دین را پادار، توجه خودت را به آن سو کن در حالی که حنیف (حقگرا) هستی بر تو باد این فطرت الهی - همین دین که فطرت و خلقت الهی است - که خدای متعال همه انسانها را بر این فطرت آفریده است تغییر پذیر نیست. - فطرت دین جزء سرشت انسان است و لذا تغییر پذیر نمی‌باشد - آن است دین راست و فوق العاده راست و مستقیم».<sup>۶۹</sup>

اخیراً در روانشناسی نیز این خواست درونی شناخته شده و به نام حس مذهبی نامیده شده است و گفته می‌شود روح انسان دارای بعد چهارمی به نام مذهب می‌باشد.<sup>۷۰</sup>

### اختیار و آزادی انسان در قرآن

قرآن کریم به صراحت و گاهی به اشاره از آزادی انسان در عمل و نقش آفرینی وی در رفتارهای خویش حکایت می‌کنند. کفر و ایمان که هر دو از افعال باطنی انسان‌اند در قرآن اختیاری دانسته شده‌اند:

«قل الحق من ربکم فمن شاء فليؤمن و من شاء فليکفر».<sup>۷۱</sup> بگو حق از جانب پروردگارتان، است پس هر کس بخواهد بگردد و هر کس بخواهد انکار کند.

قرآن کریم ابتلاء و آزمایش انسان در حیات دنیوی را مطرح کرده و در موارد متعدد هشدار داده است که یکی از مسائل مسلم و سنت الهی آزمایش است.<sup>۷۲</sup>

«الذی خلق الموت و الحیاه لیلو کم ایکم احسن عملا» خدایی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارتر است.<sup>۷۳</sup>

بدیهی است آزمایش در مورد انسان غیر مختار بی‌معنا و بلکه کار عبث خواهد بود. پاره‌ای از آیات آدمی را در برابر اعمال خویش مسئول دانسته است.<sup>۷۴</sup> و آیاتی پاداش و کیفر را در مقابل اعمال انسان مطرح کرده‌اند و نیکوکاران را ستایش و بدکاران را نکوهش کرده‌اند و نیز آیاتی که امر و نهی نموده و دستوراتی را بر انجام دادن یا ندادن کاری صادر نموده‌اند و نمونه‌هایی از این نوع آیات، همه با صراحت انسان را در مورد اعمال خویش مختار و آزاد می‌دانند.

### خاتمه

در داستان آدم قرآن و عهدین گرچه در برخی مطالب اشتراک نظر دارند ولی دارای اختلافات زیادند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

### نکات مشترک

- ۱- هر دو کتاب صراحت دارند که آدمی از خاک و حوا بعد از آدم خلق شده است.
- ۲- خلافت آدم در روی زمین و سرپرستی وی بر تمام زمین را هر دو کتاب دارند.
- ۳- تکریم آدم و فرزندانش از میان تمام موجودات با قرار دادن نعمتهای فراوان در اختیار آنان.
- ۴- انسان اشرف موجودات است ولی در کتاب مقدس اشرف بودن انسان از تمام موجودات با این مسئله که انسان کمتر از فرشته<sup>۷۵</sup> و یا همانند حیوان<sup>۷۶</sup> - معرفی شده است تناقض دارد.
- ۵- هر دو کتاب نافرمانی آدم و حوا را دارند و گویند در اثر گناه از بهشت اخراج شدند و نعمت از آنان گرفته شد.
- ۶- انسان قرآن و عهدین موجود مختار است ولی در عهدین اختیار انسان با انتقال گناه اولیه تناقض دارد. اینها برخی از مسائل مشترک دو کتاب است و به همین مقدار بسنده می‌شود.

### نکات اختلاف

- ۱- عهدین آدم را شبیه خدا معرفی می‌کند ولی قرآن می‌گوید: «چیزی مثل او نیست»<sup>۷۷</sup>.
- ۲- از نظر عهدین خدا بعد از تکمیل آفرینش عالم یک روز استراحت کرد که این مطلب از نظر قرآن بی‌معنا و شرک است.
- ۳- تورات گوید: خدا از خلقت آدم پشیمان و اندوهناک شد ولی قرآن چنین مطلب را ملازم با نسبت جهل و نادانی بر خدا دانسته است.
- ۴- عهدین در نقل داستان آفرینش آدم، دارای تناقضاتی است که به برخی از آنها در متن مقاله اشاره شد.
- ۵- تورات مجازات نافرمانی را مرگ معرفی کرده است اما در نهایت امر، اخراج از بهشت را مطرح کرده است - و این یکی از تناقضات اشاره شده است - و لکن قرآن در اول امر گفته بود اگر نافرمانی شود از بهشت اخراج شده و لباسهای بهشتی گرفته می‌شود.
- ۶- از نظر تورات آگاهی یافتن آدم از نیک و بد موجب شد که آدم را از بهشت اخراج

کنند... ولکن قرآن فضل و برتری آدم بر فرشته‌ها را به جهت آگاهی و ظرفیت بالای علمی وی می‌داند.

۷- عهدین در این داستان خدا را دروغگو معرفی کرده است و شیطان - مار - را راستگو ولی قرآن با صراحت گوید شیطان با دروغ - گفتار دروغ و قسم دروغ - آدم و حوا را فریب داد.<sup>۷۸</sup>

۸- عهدین گوید مار اول حوا را فریب داد و حوا آدم را وادار به نافرمانی کرد ولی قرآن شیطان را عامل فریب هر دو می‌داند.

۹- در عهدین علت دشمنی و رفتار خیانت‌آمیز مار مشخص نشده است ولکن در قرآن آمده است که وی با برتری آدم مخالفت و حسد کرد.

۱۰- از دید تورات آدم و حوا همانند بهایم از اول امر برهنه بودند و چون به نیکی و بدی ناآگاه بودند زشتی آن را نمی‌دانستند.

ولی قرآن گوید آدم و حوا قبل از ارتکاب گناه دارای پوشش بودند که این پوشش با لباسهای بهشتی نشانه تکریم و شخصیت دادن به آدم و حوا بوده است و در اثر گناه آن را از دست دادند.

۱۱- آدمی را که قرآن معرفی می‌کند نه تنها از موقعیت خود آگاهی داشت حتی از اسرار آفرینش (علم الاسماء) نیز آگاهی داشت و در نهایت معلم فرشته می‌شود و اگر شیطان توانست وی را فریب دهد به جهت صفا و پاکی درون آدم بود. بنابراین پذیرش فریب شیطان به جهت نادانی آدم نبوده است آنطور که تورات معرفی می‌کند و گوید آدم به قدری از علم و آگاهی دور بود که حتی برهنگی خود را نیز تشخیص نمی‌داد!

۱۲- عهدین درخت ممنوعه را درخت معرفت به نیکی و بدی دانسته است ولکن در منابع اسلامی دو تفسیر بر درخت ممنوعه آمده است:

الف - تفسیر مادی، درخت ممنوعه، گندم است و یا برخی خوردنی‌های دیگر.<sup>۷۹</sup>

ب - تفسیر معنوی درخت ممنوعه را حسد می‌داند که آدم در دل به پنج تن آل عبا حسد ورزید!<sup>۸۰</sup>

۱۳- از دید قرآن، آدم به محض اینکه متوجه شد نافرمانی کرده است عذر خواهی کرده و از خدا خواهش بخشش کرد ولی در تورات از پشیمانی آدم صحبت نشده است و حتی برخی مفسرین عهدین گفته است وی این نافرمانی را نه بطور اشتباه بلکه از روی عمد انجام داد تا از تحت سیطره فرمان خدا خارج شود:

دکتر ویلیام میلر مفسر برجسته و توانای عهدین در کتاب خود تحت عنوان مسیحیت چیست گوید:

«شیطان به صورت مار داخل باغ شد و حوا را داخل کرد که از میوه آن درخت بخورد

سپس حوا آن را به آدم داد وی نیز از آن میوه خورد...» این عمل والدین اولیه ما تنها یک اشتباه معمولی و یا خطائی از روی بی فکری نبود بلکه عصیان عمدی بر ضد خالق بود به عبارت دیگر: آنها می خواستند خدا شوند! آنها مایل نبودند مطیع اراده خا ا گردند بلکه می خواستند امیال خود را انجام دهند. نتیجه این شد که خدا آنها را به شدت سرزنش نمود و از باغ راند تا در جهان پر درد و رنج زندگی کنند.<sup>۸۱</sup>

(والحمد لله رب العالمین)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## پی نوشت

- ۱- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، حرف الف، چاپ تهران ۱۳۶۷ شمسی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی ص ۱۷۲.
- ۲- تورات سفر تکوین فصل ۱، شماره ۲۶ تا ۳۰ و فصل ۹ شماره ۶.
- ۳- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، همان ص ۱۷۴، ستون ۲.
- ۴- قاموس کتاب مقدس، جیمز هاکس (به نقل از کتاب آدم از دیدگاه قرآن و عهدین)، ص ۳۵ و ۳۶ و ۱۱۳ و ۱۱۴.
- ۵- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، همان، ص ۱۷۶، ستون ۱.
- ۶- دائرة المعارف الکتبیه، هیئت تحریری، دار الثقافة مصر، قاهره، ج ۱، حرف الف، ص ۷.
- ۷- گنجینه تلمود تالیف واب، دکتر، ابراهام کهن ترجمه متن انگلیسی توسط امیر فریدونی گرگانی، انتشارات اساطیر ج اول/ ۸۲ ص ۸۷.
- ۸- سفر پیدایش باب ۲ شماره ۷.
- ۹- گنجینه، همان ص ۹۷.
- ۱۰- گنجینه، همان، ص ۸۸.
- ۱۱- دائرة المعارف بزرگ اسلامی همان ص ۱۷۴ ستون ۱ به نقل از کتاب اسرار خنوخ.
- ۱۲- همان، باب ۱۵/۲ تا ۲۲.
- ۱۳- سفر تکوین ۱۲/۳ تا ۱۷.
- ۱۴- حکمت بن سیراخ ۲۳/۲۵ به بعد به نقل دائرة المعارف بزرگ اسلامی، همان ج ۱ ص ۱۷۲.
- ۱۵- دائرة المعارف الکتبیه همان ج ۳ حرف ج ص ۱۹۴.
- ۱۶- کتاب جامعه سلیمان باب ۲۶/۷ تا ۲۸.
- ۱۷- اسلام و عقاید آراء بشری یحیی نوری چاپ هشتم تهران سال ۵۷ هـ ص ۱۴.
- ۱۸- شهر خدا، آگوستین ۱۷/۲۲ به نقل از کتاب یهودیت، مسیحیت و اسلام. اف. بی. پترز مترجم حسین توفیقی ج ۱ ص ۴۸.
- ۱۹- گوستاولویون، تمدن اسلام و عرب، مترجم سیدهاشم حسینی، چاپ اسلامیه ۵۸ هـ ص ۵۰۷ به بعد.
- ۲۰- عهد جدید، نامه اول به تیموتاوس باب ۱۱/۲ به بعد.
- ۲۱- عهد جدید، نامه دوم پولس به قرنتیان ۳/۱۱.
- ۲۲- سفر پیدایش ۱۵/۲ تا ۱۷ و ۷ تا ۱۰.
- ۲۳- مزامیز ۴/۸ تا ۸.
- ۲۴- سفر پیدایش باب ۱/۳ تا ۱۲ و ۲۲.
- ۲۵- سفر پیدایش ۲۱/۹ به بعد.
- ۲۶- جامعه سلیمان ۱۹/۳ «... برای همه یک نفس است و انسان بر بهایم برتری ندارد...».
- ۲۷- ترجمه و شرح و نقد سفر پیدایش نوشته علی قلی جدید الاسلام چاپ دوم، قم تابستان ۱۳۸۲ انتشارات انصاریان، به کوشش رسول جعفریان ص ۱۱۷.
- ۲۸- سفر پیدایش باب ۳/جملات متعدد.
- ۲۹- حکمت سلیمان ۲۳/۲ به نقل از دائرة المعارف بزرگ اسلامی، همان، ج ۱ ص ۱۷۲.
- ۳۰- ترجمه و شرح و نقد سفر پیدایش، همان، ص ۹۶ و ۱۲۱.
- ۳۱- ترجمه و شرح و نقد سفر پیدایش، همان، ص ۱۱۷.
- ۳۲- سفر پیدایش ۱۴/۳.
- ۳۳- سفر پیدایش ۷/۴.
- ۳۴- سفر تثبیه ۲۶/۱۱ و شبیه این مطلب در مزمو ۱/۱ آمده است.
- ۳۵- سفر پیدایش ۵/۶.
- ۳۶- سفر پیدایش ۶/۶ و ۷ و ۱۲ و ۱۳.
- ۳۷- سفر پیدایش ۲۲/۳.
- ۳۸- در بابهای ۴ و ۵ و ۶ ... سفر پیدایش.
- ۳۹- سفر پیدایش ۹/۸.
- ۴۰- همان ۲/۶ و ۴.
- ۴۱- سفر پیدایش ۵/۶ تا ۷.
- ۴۲- همان ۲۱/۸.
- ۴۳- اقتباس از سفر پیدایش ۱۷/۲ و ۳/۳ و ۱۱ و ۲۲ و موارد دیگر.
- ۴۴- انجیل لوقا ۳۸/۳.
- ۴۵- انجیل متی ۱۷/۳ و انجیل مرقس ۱/۱ و ۱۱ و انجیل لوقا ۲/۳ تا ۲۲ و انجیل یوحنا ۳۱/۱ تا ۳۴ و ۳۱/۲۰ و موارد دیگر.
- ۴۶- نامه پولس به رومیان ۱۲/۵ تا ۲۲ و نامه اول وی به قرنتیان ۲۱/۱۵ و ۲۲ و همان / ۴۵ تا ۴۹.
- ۴۷- در اکثر نوشته‌های پولس این مطلب به وضوح پیداست.
- ۴۸- انجیل یوحنا ۱/۱ تا ۱۵ و نامه پولس به کولسیان شبیه این مطلب را دارد ۱۵/۱ تا ۲۲.
- ۴۹- دائرة المعارف بزرگ اسلامی ج ۱ حرف آدم.
- ۵۰- سوله فصلت/۵۳.
- ۵۱- حشر/۱۹.
- ۵۲- سوره مومنون/۱۴.
- ۵۳- آل عمران/۵۹.
- ۵۴- به ترتیب: سوره مومنون/۱۲ و حجر/۲۶ و صافات/۱۱ و حجر ۲۸ و ۳۳.
- ۵۵- به ترتیب: فرقان/۵۴ و مرسلات ۲۰ و نیز سجده ۸ و طارق/۶.

- ۵۶- سوره سجده/۷ و ۸  
 ۵۷- بوکای مورس، تورات با انجیل و قرآن و علم ترجمه ذبیح الله دبیر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ هشتم، تهران ۱۳۸۰، ص ۲۷۷.  
 ۵۸- سوره طارق/۷.  
 ۵۹- سوره فاطر/۱۵.  
 ۶۰- سوره مؤنون/۱۴.  
 ۶۱- سوره نساء/۹۷ و آیات متعدد دیگر.  
 ۶۲- سفر پیدایش/۱۹/۳.  
 ۶۳- سوره بقره/۳۰.  
 ۶۴- سوره بقره/۳۰.  
 ۶۵- سوره بقره/۳۱.  
 ۶۶- سوره احزاب/۷۲.  
 ۶۷- سوره لقمان/۲۰.  
 ۶۸- سوره بقره/۳۴.  
 ۶۹- سوره روم/۳۰.  
 ۷۰- گرامی غلام حسین، انسان در اسلام، ط ۲، نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاهها، ص ۱۲۸.  
 ۷۱- سوره کهف/۲۹.  
 ۷۲- عنکبوت/۳ و بقره/۱۵۵ و محمد/۳۱.  
 ۷۳- سوره ملک/۲.  
 ۷۴- سوره اسراء/۳۶ و صافات/۲۴ و نحل/۹۳ و ...  
 ۷۵- مزامیر داود ۴/۸ تا ۸.  
 ۷۶- جامعه سلیمان ۱۹/۳.  
 ۷۷- سوره شورا/۱۱.  
 ۷۸- سوره اعراف/۲۰، ۲۱ و سوره طه/۱۲۰.  
 ۷۹- عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین ط دار التفسیر قم ۱۳۸۲ ج ۱ ص ۵۹ و ۶۰ و ج ۲ ص ۱۱ (در تفسیر آیات سوره بقره و اعراف)  
 ۸۰- عبدالعلی بن جمعه، همان.  
 ۸۱- دکتر میلر، ویلیام، مسیحیت چیست ص ۱۶ به نقل از تفسیر نمونه ج ۶ ص ۱۲۲.

## کتاب نامه

کتابهایی ذکر می شود که مستقیماً مراجعه شده است و از ذکر کتابهایی که به واسطه آنها مطلب نقل شده است خودداری شد، ضمناً آدرسهای دقیق در پاورقی هر صفحه آورده شده است و در اینجا فقط نام کتابها و مولف آنها... ذکر می شود:

### «قرآن کریم»

- ۱- معجم الفهرس قرآن کریم، محمد جواد عبدالقادر.  
 ۲- نهج البلاغه.  
 ۳- عهدین.  
 ۴- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی تحت نظر بجنوردی ط اول ۱۳۶۸.  
 ۵- قاموس مقدس نوشته جیمزهاکس  
 ۶- دائرة المعارف الکتبیه، هیئت تحریری دار الثقافة مصر  
 ۷- واب، دکتر ابراهام کهن، گنجینه تلمود ترجمه امیر فریدونی، ط اساطیر.  
 ۸- نوری یحیی، اسلام و عقاید و آراء بشری، اسلامیه، ط هشتم، تهران، ۱۳۵۷.  
 ۹- آدم از دیدگاه قرآن و عهدین مولود در کتابخانه دفتر تبلیغات و مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.  
 ۱۰- پیترز، اخسانی، یهودیت، مسیحیت و اسلام مترجم حسین توفیقی: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.  
 ۱۱- گوستاولویون، تمدن اسلام و عرب، اسلامیه مترجم سیدهاشم حسینی، ۱۳۵۸.  
 ۱۲- جدید الاسلامی علی قلی، ترجمه و شرح و نقد سفر پیدایش، انصاریان، به کوش رسول جعفریان ط دوم، قم، ۱۳۸۲.
- ۱۳- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از فضلا، جلدهای مربوط به آفرینش آدم.  
 ۱۴- عبدالعلی بن جمعه و تفسیر نور الثقلین، دار التفسیر، قم، ۱۳۸۲.  
 ۱۵- بوکای مورس، تورات، انجیل، قرآن و علم، مترجم ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ هشتم ۱۳۸۰ تهران.  
 ۱۶- گرامی غلام حسین، انسان در اسلام، نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه چاپ ۲.  
 ۱۷- مطهری مرتضی، فطرت، صدرا، چاپ هشتم.  
 ۱۸- مطهری مرتضی، سیری در نهج البلاغه، دار التبلیغ، چاپ ۲.  
 ۱۹- یادداشتهای متعدد از منابع گوناگون.